

چرا عاشق می شویم؟

ماهیت و فرایند عشق رمانتیک

هان فیشر

ترجمه: بهمن سقّی



Fisher, Helen E.

سرشناسه: فیشر، هلن
عنوان و نام پدیدآور: چرا عاشق می شویم؟ ماهیت و فرایند عشق رمانیک؛ فیشر، هلن؛ ترجمه
سهیل سنی.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۳۴۷ ص.

شابک: 978-964-311-726-9

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

یادداشت: عنوان اصلی: Why we love: the nature and chemistry of romantic love, 2004

موضوع: عشق.

موضوع: عشق - اثر فیزیولوژیکی.

موضوع: انسان - تکامل.

موضوع: جنسیت.

موضوع: تفاوت های جنسی.

شناسه افزوده: سنی، سهیل، ۱۳۴۹ -، مترجم.

رده بندی کنگره: ۱۳۸۶ ف۹ ۵۷۵/۴۵ BF

رده بندی دیویی: ۱۵۲/۴۱

شماره کتاب شناسی ملی: ۱۰۹۳۷۴۱

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Why We Love

The Nature and Chemistry of Romantic Love

Helen Fisher

Owl Books, 2004



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱ تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

* * *

هلن فیشر

چرا عاشق می‌شویم؟

ماهیت و فرایند عشق رمانتیک

ترجمه سهیل سَمی

چاپ اول

۱۵۰۰ نسخه

۱۳۹۶

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹ - ۷۲۶ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 726 - 9

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

- ۹ خطاب به خاندان
- ۱۳ ۱. «چه شور افسار میخیزد؟» عاشق بودن
- ۴۵ ۲. جذبۀ حیوانی: عشق ساز حیوانات
- ۷۵ ۳. ماهیت شیمیایی عشق: اسکناس رنگارنگ «عاشقی»
- ۱۰۹ ۴. تور عشق: شهوت، شور عشق و وابستگی
- ۱۳۹ ۵. «نخستین شور خوش و سبکبالانۀ عشق» همه منتخب ما
- ۱۷۳ ۶. چرا عاشق می شویم: تکامل عشق رمانتیک
- ۲۰۹ ۷. عشق ازدست رفته: طرد شدن، یأس و خشم
- ۲۴۷ ۸. مهار کردن شور عشق: دوام بخشیدن به عشق
- ۲۸۷ ۹. «جنون بتان»: پیروزی عشق
- ۳۰۳ «عاشق بودن»: پرسشنامه
- ۳۱۳ کتاب شناسی
- ۳۴۱ نمایه

خطاب به خواننده

شکسپیر با خود گفت: «شوق چیست؟» شاعر بزرگ نخستین کسی نبود که این سؤال را می‌کرد. گمان من، اجداد ما که یک میلیون سال پیش گرد آتش حلقه می‌زدند یا دراز می‌کشیدند و به ستارگان چشم می‌دوختند نیز همین را از خود می‌پرسیدند.

در این کتاب تلاش کرده‌ام به این سؤال ظاهراً بی‌پاسخ جواب بدهم. در این کار چند عامل به من انگیزه دادند. من نیز طعم عشق و فراز و نشیب آن را چشیده‌ام. به علاوه، حتم دارم که این احساس پرشور و شادمانه زندگی اجتماعی بشر است، و حتم دارم که هر انسانی شور خلسه‌وار و یأس تلخ این تجربه را احساس کرده است. از همه مهم‌تر این که امیدوارم با ارائه‌ی درکی روشن‌تر از این پدیده، به مردم کمک کنم تا برای یافتن و تداوم این احساس پرشور، به‌هیچ‌بابت به این ترتیب، در سال ۱۹۹۶ تحقیقات چندجانبه‌ام را برای برداشتن از این راز شگفت‌انگیز آغاز کردم: تجربه «عاشق بودن». سعی کرده‌ام به پرسش‌های پیرامون این مسئله پاسخ دهم، این که چرا عاشق می‌شویم و چرا از میان افراد مختلف یک شخص خاص را به همسری برمی‌گزینیم، این که احساس عشق رمانتیک در مردها و زن‌ها چه تفاوت‌هایی دارد، و مسائلی چون عشق در نگاه اول، عشق و هوس، عشق و ازدواج، احساس عشق میان

جانداران دیگر، نحوه تکامل عشق، عشق و نفرت و کارکرد مغز در عشق، این‌ها همه مضامین اصلی این کتاب هستند. امیدوارم بتوانم برای مهار این آتش خطرناک و پیش‌بینی‌ناپذیر در قلب انسان نیز راهی معرفی کنم.

به عقیده من، عشق رمانتیک یکی از سه شبکه نخستین مغز است که برای راه‌نمایی ما در امر جفت‌یابی و تولید مثل تکامل یافته‌اند. شهوت کور باعث می‌شود پیشینیان ما برای ارضای نیاز غریزی خود در پی ارتباط با هر جفتی باشند. عشق رمانتیک به انسان فرصت داد که فقط یک جفت خاص را برگزیند و از این طریق در زمان و انرژی ارزشمند خود صرفه‌جویی کند. احساس ارزش رمانتیک ناشی از ازدواج نیز به زن و مرد امکان داد کنار هم بمانند و به کمک همدیگر فرزندان را بزرگ کنند.

خلاصه این‌که عسل رمانتیک در ساختار و فرایند مغز انسان نقشی نازدودنی دارد.

اما دقیقاً چه چیزی این حس را ایجاد می‌آورد؟

برای پاسخ دادن به این سؤال تصمیم گرفتم طی تحقیقی از مغز داوطلبان اسکن بگیرم تا از این راه، فعالیت مغز مردان و زنان را که به تازگی به هم دل بسته بودند ثبت کنم.

در این بخش مهم از تحقیقاتم، از بخت خوش، همکاری عالی به من ملحق شدند: دکتر لوسی ال. براون، عصب‌شناس کالج آلبرت اینشتین، و دکتر آرتور آرون، روان‌شناس محقق در دانشگاه ایالتی نیویورک در استونی بروک. دیگر اشخاصی که در این بخش از کار نقش حیاتی داشتند از این قرارند: دیرا ماشک، که در آن زمان دانشجوی دکترای روان‌شناسی در سانی^۱ استونی بروک بود، گریگ استرانگ، فارغ‌التحصیل دیگر سانی، و دکتر هایفانگ لی، رادیولوژیست سانی استونی بروک. ما ظرف شش سال از مغز بیش از چهل مرد و زن حدوداً ۱۴۴ عکس گرفتیم. نیمی از داوطلبان ما مردان و زنانی

بودند که عشقشان دوطرفه بود؛ مابقی آن‌ها کسانی بودند که همان اواخر محبوبشان دست رد به سینه‌شان زده بود. ما قصد داشتیم طیف‌های احساسات مرتبط با «عاشق بودن» را ثبت کنیم.

نتایج کار حیرت‌انگیز بود. ما به تفاوت‌های جنسیتی‌ای برخوردیم که روشن می‌کرد چرا مردان تا به این حد به محرک‌های بصری واکنش نشان می‌دهند و چرا زنان می‌توانند جزئیات رابطه خود با همسرشان را به خاطر بسپرد. ما بخش‌های خاص فعال را هنگام بیدار شدن این احساس در مغز پیدا کردیم و به اطلاعاتی دست یافتیم که نشان می‌داد همسران چگونه می‌توانند در درازمدت این عشق را میان خود زنده نگه دارند. من دریافتم که حتی حیوانات نیز شق رمانتیک را تجربه می‌کنند. یافته‌های ما پرده از دلیل جنایت‌های عاطفه برداشت. حال می‌دانم که چرا وقتی دست رد به سینه‌مان می‌خورد، تا این حد آویس‌ر خشمگین می‌شویم.

مهم‌تر از همه این‌که سایه متفکرات درباره جوهره عشق رمانتیک تغییر داد. من این احساس را یکی از مایه‌های بنیادی حیات بشر می‌دانم، مثل اشتیاق به خوردن غذا و آب و عرب، مادری. این حس، یعنی غریزه جلب جفت خاص، نیز نیازی روان‌شناختی و تأییدی عمیق است.

این نیاز به عشق باعث پدید آمدن برخی از بهترین اپراها، نمایشنامه‌ها، رمان‌ها، اشعار و نواهای مختلف و نقاشی و آثار معماری و جشنواره‌ها و اسطوره‌ها و افسانه‌های جامعه بشری شده است. اما عشق در عورت روبرو شدن با مانع، تلخی بسیاری به همراه دارد، غمی خردکننده. قتل - خودکشی، افسردگی عمیق و میزان بالای طلاق و تجاوز در بعضی جوامع ناشی از همین مسئله است. پس حال وقت آن رسیده که به‌جذب به سؤال شکسپیر بیندیشیم: «عشق چیست؟»

امیدوارم خواندن این کتاب برای شما همان قدر مفید باشد که نوشتن آن برای من بوده؛ و به ما در کنار آمدن با این نیروی شگرف درونی، این غریزه ذاتی عاشق شدن، یاری رساند.